

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سوسیالیست‌های انقلابی مصر
فرستنده: گروه پروسه
برگردان از: نیما کوشیار
۱۲ جولای ۲۰۱۳

چهار روزی که جهانیان را در حیرت فرو برد!



آنچه در مصر اتفاق افتاد بی‌شک آغاز تاریخی موج جدیدی از انقلاب مصر است و بزرگترین موجی است که از جنوری ۲۰۱۱ تا کنون به‌پا خاسته است. تعداد افرادی که در آن روز افسانه‌ای در تظاهرات شرکت کردند بالای ۱۷ میلیون شهروند تخمین زده شده است که در طول تاریخ بی‌سابقه است. این حضور بی‌سابقه بر هرگونه مشارکت توسط بقایای رژیم گذشته یا حمایت آشکار پولیس و ارتش فایق می‌آید. تظاهرات گسترده میلیون‌ها نفر از وقایع بسیار نایاب تاریخ بشری است و تأثیرش بر آگاهی و اعتماد به نفس توده و بر توانایی تغییر مسیر تاریخ بسیار مهمتر از محدودیت شعارها و آلترناتیوهای سیاسی است که مطرح می‌شوند.

آری، نمایندگان لیبرال بورژوا می‌خواهند از نیروی عظیم جنبش برای از بین بردن سلطه نمایندگان اسلامی استفاده کنند تا با تأیید و حمایت نهاد ارتش، خود بر مسند قدرت تکیه زنند و درست است که «فلول» (بقایای رژیم گذشته) می‌خواهد توسط این جریان جدید انقلابی به عرصه سیاسی بازگردد، اما منطق ویژه‌ای در انقلابات توده‌ای وجود دارد که بر توطئه و فریب‌های لیبرال‌ها یا فلول کردن نمی‌نهد حتا اگر بخش‌هایی از توده موقتاً تحت تأثیر شعارها و وعده‌های نخبگان باشند. درست مانند آن‌هایی که در گذشته تحت تأثیر وعده‌ها و شعارهای نخبگان اسلامی بودند.

آری، تأثیر رسانه‌های بی‌شمار و کمپین‌های تبلیغاتی که توسط بخش‌هایی از طبقه حاکم که با اخوان المسلمین در ضدیت بودند را نمی‌شود نادیده گرفت. اما این تأثیر زودگذر و سطحی است و نمی‌تواند حافظه و تجربه مستقیم مردم را از کاراکتر ضد انقلابی و ضدیت با توده، خواه نهادهای ارتش باشد خواه نیروهای امنیتی پاک کند.

دلیل واقعی این تأثیر موقتی، خیانتِ اپوزیسیون لیبرال (که «جبهه نجات ملی» آن را نمایندگی می‌کند) به اهداف انقلاب مصر و خون‌شیدانی است که در این راه ریخته شده تا با این خیانت مسیر رسیدن به قدرت را کوتاه‌تر نماید. دلیل واقعی دیگر، فقدان یک آلترناتیو سیاسی انقلابی متحد است که توانائی افشای «جبهه نجات ملی» را داشته باشد توده را به سمت یک برنامه مشخص انقلابی هدایت کند؛ پروژه‌ای که می‌تواند بر نخبگان لیبرال و اسلامی برتری جوید و به سمت انقلاب عمیق مصری پیش رود، همه نهاد‌های رژیم گذشته را از سر راه بردارد. به ویژه نهاد‌هایی چون ارتش و نهاد‌های امنیتی که قلب ضد انقلاب هستند.

توده برای احیای سلطه ارتش یا جای‌گزینی لیبرال فلول با اخوان المسلمین دوباره قیام نکرده است. آن‌ها قیام کرده‌اند چرا که مرسی و اخوان المسلمین به انقلاب خیانت کرده‌اند. آن‌ها هیچ‌کدام از خواسته‌های انقلاب از قبیل عدالت اجتماعی، آزادی، شأن انسانی یا مجازات عاملان قتل‌های شهدای انقلاب را اجرا نکردند؛ خواه قدرت در دست مبارک و العادلی باشد (شورای عالی نیروهای مسلح)، یا در دست اخوان المسلمین و وزارت داخله در دوره حکمرانی اخوان المسلمین. برای توده فرقی نمی‌کند.

در واقع حکومت اخوان المسلمین سیاست‌گذاری‌هایی مشابه رژیم مبارک در پیش گرفت، سیاست‌هایی چون فقیرسازی و فساد و دفاع بی‌چون و چرا از منافع بنگاه‌های بزرگ در جهت منافع امریکا و صهیونیست. به جای پاک‌سازی دست‌گاه دولت از فساد و کسانی که دست‌شان به خون شهداء آغشته بود، چه در وزارت داخله، نهاد ارتش یا سیستم اطلاعاتی مخفی، قراردادهای‌شان با آن‌ها را به امید مشارکت اخوان المسلمین در وزارت‌خانه‌های دولت به همراه فلول و مردان مبارک نگه داشتند.

بنابراین حکومت اخوان المسلمین فقط بسط همه سطوح رژیم مبارک علیه آن‌چه که مردم مصر برای آن انقلاب کردند بود.

این است ماهیت انفجاری انقلابی که در روز تاریخی ۳۰ جون آغاز گشت. اخوان المسلمین این ماهیت را درک نکردند و محبوبیت‌شان در عرض چند ماه بر باد رفت. و این چیزی است که نه رهبران ارتش و نه پوشش‌های غیر نظامی آن‌ها نظیر جبهه رهائی ملی با لیبرال‌ها و فلول‌های‌شان درک نمی‌کنند. چرا که این خواسته‌های انقلابی با زور اسلحه و سیاست‌گذاری‌های یکسانی (سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال یکسان، ستراتیژی‌های همکاری مشابه با حکومت‌های ظالمانه «خلیج»، وابستگی تحقیرآمیز به ایالات متحده و صهیونیست استعمارگر) توسط مرسی، شورای نظامی و پیش از آنان توسط مبارک دنبال می‌شد، حاصل نمی‌شود.

دولت‌ها و رسانه‌های ایالات متحده و بورژوازی اروپا در تلاش‌اند تا آن‌چه در مصر به وقوع پیوست را به عنوان کودتائی علیه رئیس جمهوری که در انتخابات دموکراتیک پیروز شده یا کودتائی علیه «مشروعیت» دموکراسی رسمی توضیح دهند. اما آن‌چه در واقعیت به وقوع پیوست بسیار دور از پیروز شدن دموکراسی رسمی بر صندوق‌های رأی بود. مشروعیت به وسیله دموکراسی انقلاب مردمی و دموکراسی مستقیم است که مشروعیت انقلابی را ایجاد می‌کند. این افق جدیدی برای اشکال جدید قدرت مردمی می‌گشاید و دموکراسی موقتی صندوق‌های رأی را حقیر جلوه می‌دهد. صندوق‌های رأیی که هیچ دست‌آوردی ندارد جز این‌که به بورژوازی بال‌های جدیدی برای ادامه سلطه خود دهد. دموکراسی موقت صندوق‌های رأی تنها، تداوم قدرت دست‌گاه حکومتی سرمایه‌داری را تضمین می‌کند. تنها توهمات مردم را دامن می‌زند که می‌توانند از طریق صندوق‌های رأیی که هر چند سال یکبار به روی‌شان گشوده می‌شود از میان‌نخبگان بورژوازی کسی که بر آن‌ها حکمرانی و استثمارشان کند را انتخاب کنند؛ البته بدون نزدیک شدن به دست‌گاه دولتی یا پناهگاه شرکت‌های سرمایه‌داری به ویژه در هنگام دست‌کاری کردن صندوق‌های رأی.

آنچه که در مصر اتفاق افتاد آخرین درجهٔ دموکراسی است، انقلاب میلیون‌ها نفر برای سرنگونی حکمران. از آنجایی که ارتش جای‌گزین مرسی گشته، این چیزی جز همان نتیجهٔ قبلی نیست؛ ارتش یک بار توده‌هایی که هم‌اکنون در خیابان‌ها و میدان‌ها مستقر شدند را مشاهده کرده است. آلسیسی در ۳ جولای ۲۰۱۳ همان کاری را کرد که طنطاوی قبل از او در ۱۱ فبروری ۲۰۱۱ انجام داده بود؛ طنطاوی سرانجام تسلیم خواست توه طغیان‌گر شد توده‌ای که نه تنها تهی از میهن‌پرستی یا شور انقلابی نبود بلکه از انقلاب نیز واهمه نداشت. از این‌رو اگر السیسی در سرنگونی مرسی مداخله نکرده بود انقلاب با سرنگونی مرسی یا اخوان‌المسلمین متوقف نمی‌شد و توانائی آن را داشت (و هنوز هم دارد) تا به انقلاب اجتماعی کاملی تبدیل شود که دولت سرمایه‌داری (از جمله رهبران ارتش) را نیز کنار زند.

نهاد ارتش دشمن انقلاب مصر است؛ او به مبارک کمک کرد تا خود را از آتش انقلاب محفوظ دارد. ارتش اکنون به اخوان‌المسلمین و مرسی (که قبلاً با آن‌ها متحد شده) از ترس زمانی که زمین‌لرزهٔ انقلاب دامن‌گیرش شود کمک می‌کند. بخش وسیعی از توده تحت تأثیر توهم بی‌طرفی ارتش قرار دارند و گمان می‌کنند که از ابتدای حکومت شورای عالی نیروهای مسلح^۱ دوشادوش انقلاب ایستاده است، آن‌ها امروزه تحت تأثیر تبلیغات دروغین دربارهٔ شجاعت و تعهد انقلابی السیسی و ژنرال‌هایش هستند.

اما از آنجا که توده‌ها به سرعت این تبلیغات را در دورهٔ طنطاوی با مبارزه و تجربه پشت سر گذاشتند تبلیغات جدید و توهم این‌که «ارتش و مردم در یک طرف هستند» را نیز در هفته‌ها یا ماه‌های آینده پشت سر می‌گذارند. توده‌های مصری دو رئیس‌جمهور را در این سی ماه سرنگون کردند. این قدرت احتمالاً فقط بازتاب میلیون‌ها معترض نیرومند نیست بلکه پس‌لرزهٔ اعتصابات کارگری و تظاهرات توده‌ای است. چرا که اعتماد به نفس سیاسی تبدیل به اعتماد به نفس در جامعه و مبارزات اقتصادی می‌شود و بالعکس.

پس از موج اول انقلابی ارتش بر توانائی سازمانی و پوپولیستی اخوان‌المسلمین برای تحلیل بردن و عقیم گذاشتن انقلاب قمار کرد. اما این قمار را در ۳۰ جون باخت. اکنون، ارتش بر اپوزیسیون لیبرال با همان هدف شرط‌بندی نموده است. اما شکاف گسترده بین انتظارات انقلابی توده و آنچه نیروهای لیبرال بر اساس سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی به آن‌ها پیشنهاد می‌دهند، با احیای بحران‌های اقتصادی خشن، به سرعت منجر به افشای این نیروها و کسانی که پشت آن‌ها مخفی‌اند، یعنی حکمرانان واقعی مصر که ارتش و نهادهای امنیتی هستند، می‌شود.

یکی از مخاطراتی که ما در هفته‌ها و ماه‌های آتی با آن مواجهیم این است که موج سرکوب اخوان‌المسلمین و جنبش اسلامی به صورت تبلیغاتی توسط لیبرال‌ها استفاده شود و نیز در جهت اهداف امنیتی توسط ارتش و پولیس برای ضربه زدن به جنبش کارگری و تظاهرات توده‌ای به بهانهٔ ایجاد ثبات در «این دورهٔ بحرانی» به کار رود. ترمیم دست‌گاه امنیتی به منظور اطمینان در مواجهه با اسلام‌گرایان را بدون شک می‌توان موج سرکوب علیه اعتصابات و تحصنات کارگری ترجمه کرد که در این آب‌گل‌آلود توسط رسانه‌های بورژوازی بر آن سرپوش گذاشته می‌شود.

به این دلیل ما باید در مقابل هر گونه سوءاستفاده و سرکوبی که اسلام‌گراها در معرض آن هستند اعم از دست‌گیری‌ها و بستن کانال‌های ماهواره‌ای و روزنامه‌ها مقاومت کنیم چرا که آنچه امروز برای اسلام‌گرایان اتفاق می‌افتد فردا برای کارگران و چپ‌گرایان اتفاق خواهد افتاد.

امروز مسألهٔ اصلی انقلاب مصر ضعف سیاسی نیروهای انقلابی در مطالبهٔ ادامهٔ انقلاب و در قلب آن مطالبات اجتماعی است. برای این نیروها صندوق رأی کافی نیست و آن‌ها تداوم سیاست‌های فقیرسازی سرمایه‌داری را نخواهند پذیرفت. آن‌ها از خواست مجازات کسانی که دست‌شان به خون شهیدان انقلاب آغشته است کوتاه نمی‌آیند. توده‌ها تا

^۱ SCAF: شورای عالی نیروهای مسلح (به عربی: المجلس الأعلى للقوات المسلحة) نهادی متشکل از ۲۱ فرمانده ارشد ارتش مصر است. در جریان انقلاب ۲۰۱۱ مصر پس از استعفا **حسینی مبارک** این شورا اختیارات رئیس‌جمهور را به دست آورده و به عالی‌ترین قدرت مصر تبدیل شد و این موقعیت را تا ۳۰ جون ۲۰۱۲ که قدرت را به **محمد مرسی** رئیس‌جمهور جدید واگذار کرد در اختیار داشت.

سرنگونی کامل دولت مبارک شامل نهادهای قضائی، امنیتی و ارتش ادامه خواهند داد. این نهادها هنوز کشور را کنترل می‌کنند و همچنان از منافع بنگاه‌های بزرگ و فلول مبارک حمایت می‌کنند. آن‌ها باتلاق عظیم فساد، چپاول و استبداد را حفظ کرده‌اند.

امروزه ارتش متصدی نیروهای انقلابی است تا درجه‌داران خود را متحد کند و خودشان را به عنوان آلترناتیو اقتناع‌کننده انقلابی به توده بنمایند. آلترناتیوی برای نیروهای لیبرالی که بر شانه‌های ارتش بالا می‌روند و نیروهای اسلام سیاسی که برای دهه‌ها بر سطوح گسترده مردم سلطه یافتند. ما باید برای اتحاد مبارزات اقتصادی و اجتماعی در میان دسته‌های کارگران و فقیران و برای اتحاد همه بخش‌های تحت ستم اجتماع تریبونی ایجاد کنیم. زیرا این‌ها کسانی هستند که علاقه‌مند به ادامه انقلاب‌اند که نه فقط خواهان از بین رفتن نمایندگان رژیم چه مبارک و مرسی در گذشته و یا البرادعی در آینده نزدیک هستند که خواهان از بین رفتن قلب رژیم هستند.

بنابراین ما از این لحظه تدارکات انقلاب سوم مصر که ناگزیر به وقوع خواهد پیوست را آغاز خواهیم کرد، آماده باشید این انقلاب را تا پیروزی رهبری کنید. برای مردم دوباره اثبات شد که انرژی انقلابی بی پایان است و انقلاب آن‌ها به راستی انقلابی مداوم است. بگذارید ما برای انجام این وظیفه تاریخی به پاخیزیم و برای پیروزی انقلاب با یکدیگر همکاری کنیم.

منبع:

<http://links.org.au/node3424>